



## امام باقر(ع) و نهضت علمی؛ الگویی برای حل بحران‌های اخلاقی - فکری

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی نهضت علمی امام باقر(ع) را الگویی کارآمد برای بحران‌های اخلاقی و فکری عصر دانست و بر بازخوانی سیره «باقرالعلوم» در جامعه امروز تأکید کرد.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی نهضت علمی امام باقر(ع) را الگویی کارآمد برای بحران‌های اخلاقی و فکری عصر دانست و بر بازخوانی سیره «باقرالعلوم» در جامعه امروز تأکید کرد.

خبرگزاری مهر-دین، حوزه و اندیشه-عصمت علی آبادی؛ امروز سالگرد شهادت حضرت امام باقر علیه السلام است. در دنیای پرهیاهوی امروز که جست و جو برای یافتن الگوهای اصیل اخلاقی و فکری بیش از هر زمان دیگری احساس می شود، بازخوانی سیره امام محمد باقر (ع) نه یک رویکرد سنتی، که راهکاری برای حل چالش‌های زیستی انسان معاصر است.

در این گفتگو، به سراغ سعید طاووسی مسرور عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی رفته ایم تا از نگاه ایشان، لایه‌های پنهان نهضت علمی و مثنی اجتماعی پنجمین پیشوای شیعیان را بکاویم. با ما همراه باشید تا در این مصاحبه تحلیلی، درس‌های کاربردی از سیره آن حضرت را برای جامعه امروز مرور کنیم.

با توجه به لقب «باقرالعلوم» (شکافنده دانش‌ها)، امام پنجم چگونه توانستند با تاسیس نهضت علمی و تربیت شاگردان برجسته، پایه‌های تمدن اسلامی را در آن برهه تاریخی مستحکم کنند؟

امام باقر (ع) در دورانی امامت را بر عهده گرفتند که جامعه اسلامی از نظر فکری دچار چنددستگی شدید بود. ایشان با استفاده از فرصت پیش آمده و کاهش نسبی فشار سیاسی، نهضت علمی بزرگی را بنیان نهادند که به «شکافنده دانش» ملقب شدند.

این حرکت علمی تنها به تفسیر قرآن محدود نمی شد، بلکه ایشان علوم مختلفی همچون کلام، فقه، اخلاق و حتی علوم دیگر را در مکتب خود جای دادند. این تنوع آموزشی، تمدن اسلامی را از یک انحصار فکری خارج کرد و راه را برای شکوفایی تمدنی در دوره‌های بعد هموار ساخت.

ایشان با تربیت شاگردان برجسته‌ای نظیر زراره، محمد بن مسلم و ابوبصیر، شبکه‌ای از اندیشمندان متخصص را در سراسر جهان اسلام ایجاد کردند. این شاگردان، واسطه‌های انتقال دانش امام به نسل‌های آینده و ثبت آن در کتب روایی بودند که امروزه مبنای فقه شیعه است.

اهمیت کار امام در این بود که دانش را از حالت سطحی و تقلیدی به یک متدولوژی مبتنی بر استدلال و عقلانیت تبدیل کردند. ایشان به شاگردان خود می‌آموختند که چگونه با بهره‌گیری از قرآن و سنت پیامبر، پاسخ مسائل مستحدثه (نوپدید) را استنباط کنند.

در نهایت، لقب «باقرالعلوم» به معنای شکافتن قشر رویی دانش و دسترسی به لایه‌های عمیق حقیقت است. این نهضت نه تنها شیعه را به یک هویت فکری منسجم بدل کرد، بلکه استقلال فکری مسلمانان در برابر جریان‌های وارداتی و انحرافی آن عصر را تضمین نمود.

مواجهه امام باقر (ع) با مخالفان و حتی کسانی که به ایشان بی‌احترامی می‌کردند، چه درس‌هایی از صبر، مدارا و اخلاق نبوی برای جامعه امروز ما دارد؟

صبر و مدارای امام باقر (ع) ریشه در شناخت عمیق ایشان از فطرت انسان‌ها داشت. ایشان همواره بر این باور بودند که برخورد خشن، تنها باعث لجابت بیشتر می‌شود و بهترین راه برای هدایت دیگران، صبر همراه با کرامت و بزرگواری است.

در مواجهه با کسانی که به ایشان بی‌احترامی می‌کردند یا حتی در مقام معارضة برمی‌آمدند، امام هرگز واکنشی از جنس خشم یا انتقام شخصی نشان نمی‌دادند. ایشان با سکوت معنادار یا پاسخ توأم با مهربانی، طرف مقابل را در بن بست اخلاقی قرار می‌دادند که نتیجه آن معمولاً شرمساری و ندامت مخالف بود.

این سیره اخلاقی به ما می آموزد که قدرت واقعی در فرو خوردن خشم است. امام باقر (ع) ثابت کردند که یک رهبر نه با زور بازو، بلکه با نفوذ معنوی و اخلاق والا می تواند حتی دشمنان خود را به ستایش وادارد.

این مدارا به معنای پذیرش انحراف نبود، بلکه یک ابزار تربیتی بود. امام با این رفتار، مخاطب را در فضایی قرار می دادند که شخص معترض بتواند بدون ترس از تحقیر، به اشتباه خود پی ببرد. این همان چیزی است که جامعه امروز ما برای کاهش تنش های اجتماعی سخت به آن نیاز دارد.

در نهایت، سیره امام باقر (ع) نشان دهنده الگوی «شخصیت کامل» است؛ کسی که در اوج علم و جایگاه اجتماعی، متواضع ترین فرد در برخورد با مردم عادی و حتی مخالفان است. این نوع برخورد، پیام صلح و دعوت به حقیقت را بسیار موثرتر از هر کلام تندی منتقل می کند.

دوره امامت امام باقر (ع) با دوران انتقال قدرت میان دو سلسله اموی و عباسی همزمان بود. ایشان چگونه در میان این تلاطم های سیاسی، سیاست «حفظ مکتب و کادرسازی» را بر مبارزه مسلحانه ترجیح دادند؟

دوره امامت ایشان، دوران افول بنی امیه و آغاز خیزش بنی عباس بود. در این آشوب سیاسی، بسیاری از جریان ها به دنبال بهره برداری از محبوبیت اهل بیت (ع) برای مبارزه مسلحانه بودند، اما امام باقر (ع) به خوبی می دانستند که صرف پیروزی نظامی بدون وجود یک پایه فرهنگی، به استقرار عدل منجر نخواهد شد.

استراتژی «حفظ مکتب» در نگاه امام، به معنای بی تفاوتی سیاسی نبود، بلکه به معنای اولویت بندی صحیح بود. ایشان معتقد بودند که اگر شیعیان بدون داشتن زیربنای فکری و اخلاقی وارد کارزار سیاسی شوند، به زودی دچار انحراف شده و یا نابود می شوند.

ایشان کادرسازی را به عنوان مهم ترین فعالیت سیاسی خود در نظر گرفتند. با پرورش یاران تراز مکتب، امام در واقع داشتند برای آینده ای بلندمدت برنامه ریزی می کردند؛ آینده ای که در آن جامعه به قدری رشد فکری یابد که دیگر فریب شعارهای فریبنده حاکمان را نخورد.

این رویکرد، ایشان را از رقابت های زودگذر قدرت دور نگه داشت، اما در عین حال، جایگاه علمی ایشان را به عنوان مرجع اصلی مسلمانان تثبیت کرد. این یعنی امام باقر (ع) عملاً حاکمیت معنوی بر قلوب مردم را در دست داشتند، در حالی که حاکمان ظالم تنها بر جسم ها و مرزها سلطه داشتند.

این تجربه نشان می دهد که تغییرات پایدار در یک جامعه، از درون (فرهنگ و تفکر) آغاز می شود. امام باقر (ع) با انتخاب مسیر اصلاح فکری به جای کودتای سیاسی زود هنگام، هسته اصلی تشیع را حفظ کردند تا در فرصت های تاریخی مناسب، تاثیرگذاری خود را به حداکثر برساند.

در آموزه های امام باقر (ع)، جایگاه «اخلاص در عبادت» و «تزکیه نفس» در کنار تحصیل علم چگونه تعریف شده است؟

در مکتب امام باقر (ع)، علم و عبادت دو بال پرواز انسان هستند و هیچ کدام بدون دیگری به کمال نمی رسد. ایشان تاکید داشتند که علمی که به خضوع در برابر خداوند و تزکیه نفس منجر نشود، حجابی برای انسان خواهد بود.

ایشان عبادت را در قالب ارتباط قلبی و مداوم با خداوند تعریف می کردند، نه صرفاً انجام ظاهری اعمال. از نظر ایشان، کسی که علم بیشتری دارد، مسئولیت سنگین تری در قبال اخلاص رفتاری و عبادی خود دارد، زیرا او راه حقیقت را روشن تر می بیند.

تزکیه نفس از نگاه امام، یک تمرین همیشگی است. ایشان در روایات خود بر مراقبت از زبان، دوری از کبر و حسادت، و خدمت به خلق به عنوان مقدمات قبولی عبادت تاکید فراوان داشتند. به اعتقاد ایشان، قلب آلوده هرگز نمی تواند جایگاه دریافت معارف الهی باشد.

امام در جایگاه معلم، خود الگوی کامل عبادت بودند. شاگردان ایشان نقل کرده اند که امام در سخت ترین شرایط هم از تهجد و یاد خدا غافل نمی شدند. این یکپارچگی قول و فعل، به شاگردان می آموخت که عبادت باید در متن زندگی و تحصیل علم جاری باشد.

در نهایت، آموزه کلیدی ایشان این است که «خلوص» یعنی انجام هر کاری، اعم از علم آموزی یا عبادت، فقط برای رضایت خداوند. این دیدگاه، به زندگی انسان معنای متعالی می دهد و او را از بند خواسته های حقیر و خودخواهی های دنیوی آزاد می سازد.

اگر بخواهیم یکی از آموزه های کلیدی امام باقر (ع) را که برای حل چالش های فکری و اخلاقی انسان عصر حاضر کاربرد دارد انتخاب کنیم، آن آموزه چیست و چرا؟

در دنیای مدرن که با بحران هویت و گم گشتگی اخلاقی روبروست، آموزه امام باقر (ع) مبنی بر «اهمیت دادن به تفکر انتقادی و عقلانیت» می تواند راهگشا باشد. ایشان به ما می آموزند که هر چیزی را نپذیریم و برای هر اعتقادی، دلیل و برهان مستحکم داشته باشیم.

یکی دیگر از درس های کلیدی ایشان، تاکید بر «کار و تلاش» در عین ایمان است. ایشان نه تنها به عبادت توصیه می کردند، بلکه خود در مزرعه کار می کردند تا نشان دهند که زندگی اقتصادی و فعالیت اجتماعی، بخشی از عبادت یک مومن است و هیچ کس نباید سربار جامعه باشد.

در عصر ارتباطات و اطلاعات، رویکرد ایشان در مدیریت دانش نیز بسیار حیاتی است. امام باقر (ع) به ما یاد می دهند که چگونه اطلاعات پراکنده را به «حکمت» تبدیل کنیم. ایشان معتقد بودند دانش باید به سمت تعالی انسان سوق پیدا کند، نه اینکه صرفاً ابزاری برای قدرت طلبی باشد.

مفهوم «مدارا و همزیستی» که در سیره اجتماعی امام دیده می شود، برای دنیای امروز که دچار قطب بندی های شدید سیاسی و عقیدتی است، مانند یک داروی شفابخش است. ایشان به ما می آموزند که چگونه می توان در عین پابندی به اصول عقیدتی خود، با دیگران با کرامت و احترام رفتار کرد.

در نهایت، شاید مهم ترین آموزه ایشان برای عصر حاضر، «پایداری بر اصول در عین انعطاف در روش ها» باشد. امام باقر (ع) با وجود تمام فشارها، از مسیر حق عقب نشینی نکردند اما روش های خود را متناسب با نیاز زمانه و شرایط جامعه تغییر دادند؛ درسی که برای مدیریت هر جامعه یا سازمان موفق در دنیای امروز، ضروری است.